

Translated Texts in Pre-constitutional Iran and their Thematic Evaluation

Mohammad Amir Ahmadzadeh ¹

Department of Cultural History, Institute for Humanities and Cultural History,
Tehran, Iran

Received: 26 December 2020

Accepted: 31 May 2021

Abstract

The present article tries to examine how translations of European texts in Iran appeared on the historical horizon of Iran and what effects they had on translation of texts in the pre-constitutional period. As far as the translation of European texts, together with the historical developments of Iran in the pre-constitutional period are concerned, there are two dominant views. The first view sees this move as the result of the efforts of some religious preachers and foreign political figures, including Gobineau. According to the followers of this view, the movement of the Orientalists and the representatives of foreign policy apparatuses was for the betterment of society as a whole or it was for religious propaganda and advancing the political goals of their respective countries. The second view maintains that the translation movement is for the insight and liberalism of a number of rulers and chancellors. According to this view, this group possessed an observational or epistemological knowledge of European developments, and they were aware of the historical developments of Europe. Therefore, they turned to translation to adapt new intellectual and cultural patterns and translation helped them experience the outside world. The proponents of each perspective took their stance on this issue; therefore, they failed to well-understand this issue. The relationship between the translation movement and the emergence of developments in this historical era must be considered dialectal; in other words, reciprocal influences. As a matter of fact, translating European scientific and intellectual thought and ideas formed a new historical horizon for Iranians, which paved the way for advancing developments in the Qajar era. Conversely, the quality of changes affected the content and orientations of the translation movement (a thematic typology of translations).

Keywords: Translated Texts, Translator, Thematic Typology, Target Cultural, Iran's Pre-constitutional Period

1. Corresponding Author. Email: m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

متون ترجمه شده در ایران پیشامشروطه و ارزیابی موضوعی آنها

محمدامیراحمدزاده* (گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران)

چکیده

هدف نوشتار پیش رو، بررسی این مسئله است که ترجمه متون اروپایی در ایران، چگونه در افق تاریخی ایران پدیدار گشت و تأثیرات شکلی و مضمونی آن بر ترجمه متون دوره پیشامشروطه چه بود. به منظور پیشبرد کار از روش تحلیل تاریخی و تفسیر متون ترجمه شده استفاده می‌شود. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه ترجمه متون اروپایی با تحولات تاریخی ایران در دوره مذکور، دو دیدگاه غالب، قابل طرح است: الف) دیدگاهی که این حرکت را نتیجه کوشش عده‌ای از مبلغان مذهبی و مأموران سیاسی خارجی از جمله گوینو می‌انگارد. به باور پیروان این دیدگاه، حرکت مستشرقان و نمایندگان دستگاه‌های سیاست خارجی بیگانه از سرانگیزه‌های خیرخواهانه و برای بهبودی جامعه ایرانی بود و یا انگیزه تبلیغ مذهبی و پیشبرد اهداف سیاسی متبوعشان در این زمینه اثرگذار بود؛ ب) رویکردی که حرکت ترجمه را صرفاً به بصیرت و آزادمنشی تعدادی از حکام و صدراعظم‌ها نسبت می‌دهد. مطابق این نظر، گروه مذکور شناخت مشاهده‌ای و یا معرفتی نسبت به تحولات اروپا داشتند و با یک درک تاریخی از آن بر انجام ترجمه به مثابه اقتباس الگوهای فکری و فرهنگی جدید روی آوردند تا به زعم خود راه میان‌بری از تجارب دنیای بیرونی بیابند. طرفداران هر یک از دیدگاه‌های مذکور به جهت یک‌سونگری به مسئله، قادر به شناخت واقعی نشده‌اند؛ زیرا رابطه حرکت ترجمه و ظهور تحولات در عصر تاریخی مذکور را باید به صورت دیالکتیکی -تأثیر و تأثر متقابل- در نظر گرفت. به عبارت روشن‌تر، خوانش اندیشه علمی و فکری اروپا، افق تاریخی جدیدی را برای ایرانیان رقم زد که زمینه‌ساز تحولات نوظهور در عصر قاجار شد و متقابلاً،

* نویسنده مسئول m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

کیفیت تحولات بر مضمون و جهت‌گیری‌های حرکت ترجمه (سنخ‌شناسی موضوعی آثار ترجمه‌شده) اثرگذار بود.

کلیدواژه‌ها: متون ترجمه‌شده، مترجم، سنخ‌شناسی موضوعی، ایران پیشامشروطه

۱. مقدمه

نهضت ترجمه در ایران قرن سیزدهم قمری یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین کنش‌های فکری-علمی و تاریخی بود که با هدف آشنایی با دنیای بیرونی و دیگری‌قدرتمند فرنگی صورت گرفت. از این حیث، در بررسی منابع و متون ترجمه‌شده شاهد حجم عظیمی از متون هستیم که ترجمه آنها، عمدتاً، مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه قاجار است. فارغ از اینکه بسیاری از متون ترجمه‌شده به‌عنوان متن تألیفی از سوی مترجمان به چاپ رسید و دربردارنده رویکرد ایرانی و شرقی مترجم و ترکیب آن با نگاه مؤلف اروپایی بود، می‌توان به بررسی سنخ‌شناسی موضوعی این متون پرداخت تا از این طریق، به جهت‌گیری‌ها و مسیر حرکت اندیشه و فکر ایرانیان در پرتو ترجمه آثار اروپایی پی برد. هدف نوشتار حاضر، دستیابی به فهم گونه‌شناسی ترجمه‌ها و کشف علل در اولویت قرار گرفتن موضوعات آنها در پروسه تجدّد و حیات فکری و علمی ایرانیان است.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص مسئله ترجمه در دوره قاجار، عمدتاً، پژوهشی صورت نگرفته است؛ لذا در چارچوب رساله دکتری و مقالات سعی بر آن نموده‌ام که ابعاد ترجمه در ایران این دوره را بررسی نمایم. به این ترتیب به ریشه‌یابی بسیاری از تحولات و تطورات معنایی و واژگانی در ذهنیت و زبان جامعه و گروه‌های اجتماعی ایران قرن نوزدهم پردازم. به‌طورکلی تا پیش از پژوهش‌های بنده، عمده کارهای صورت گرفته یا به نسخه‌شناسی منابع ترجمه‌ای محدود بوده است و یا اینکه با محوریت مسئله ترجمه به‌مثابه یک رشته دانشگاهی به بحث درباره نظریه‌های ترجمه اختصاص یافته است. عبدالله انوار در مجموعه فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، عمدتاً، به معرفی بسیار

مختصری از منابع موجود در گنجینه کتابخانه ملی مبادرت کرده است و همچنین، داود نوابی در اقدامی مشابه، سعی بر آن داشته است تا در کتاب *تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی در ایران (۱۳۶۳)*، تا اصلی‌ترین منابع فرانسوی ترجمه‌شده به فارسی را معرفی نماید. دوره زمانی این کتاب بسیار طولانی و حوزه ترجمه‌های بررسی شده در آن، صرفاً، منابع زبان فرانسه است. در این مقاله، سعی بر آن بوده است تا ضمن سنخ‌شناسی موضوعی ترجمه‌های دوره پیش از مشروطیت به ارزیابی و تحلیل ریشه‌های فکری و فرهنگی و علمی شکل‌گیری تفکر و ذهنیت جدید در میان ایرانیان بپردازیم.

۳. روش پژوهش

روش در پژوهش حاضر مبتنی بر «تحلیل تاریخی»^۱ است؛ به این معنا که ابتدا ضمن فیش‌برداری از منابع مربوط به متون ترجمه‌شده در دوره قاجار به دسته‌بندی مباحث و مسائل اصلی اقدام کرده و سپس با مطالعه تحولات تاریخی ایران در دوره قاجار، سعی بر آن بود تا نسبتی وثیق و علمی بین کنش ترجمه و حامیان و کنشگران آن با تغییرات صورت گرفته در ادبیات جدید، فرهنگ، علم جغرافیا و ... در ایران برقرار شود. این پروسه، نیاز به انطباق متن ترجمه‌شده با برخی از متون و منابع دنیای مترجم (عالم ایرانی) داشته که در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

«ترجمه به مثابه یک کنش اجتماعی جدید» (زلاتوا، ۱۹۹۳) در ایران قرن سیزدهم هجری تجلی نمود. روند گسترش و افول گرایش به ترجمه و الگوهای ترجمه، پایگاه اجتماعی مترجمان و علل گرایش به ترجمه آثار نیز تبیین‌گر روندها و پروسه‌های طی شده جامعه ایران و نخبگان سیاسی-فکری آن در عرصه تحولات جدید است. ترجمه از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی در دوره قاجار، یک پروسه

1. historical analysis

2. Palma Zlateva

تاریخی، فکری و فرهنگی بود که با ترجمهٔ جیمز کامل^۱، مترجم انگلیسی، در دربار عباس میرزا از تاریخ/ اسکندر^۲ در ۱۲۲۸ ق آغاز شد. عباس میرزا طی سال‌های فرمانروایی بر آذربایجان، برای اصلاح قشون به اسلوب اروپایی و تجهیز ارتش جدید، اداره‌ای دایر کرد تا مقررات نظامی جدید مورد نیاز خود را به زبان فارسی ترجمه کنند. ترجمهٔ کتاب‌های نظامی گبیرت^۳ و آیین‌نامه‌های مانور پیاده‌نظام برای برآورده شدن این منظور بود. سپس دو گروه برای تحصیل علوم و فنون نظامی به انگلستان فرستاده شدند. آنها در بازگشت به ایران از اولین انتقال‌دهندگان دانش و فن پیشرفتهٔ تمدن اروپایی شدند. آغاز ترجمهٔ آثار اروپایی به فارسی حدود سال ۱۲۴۰ ق بود که از این پس «فن ترجمه با ترجمه‌های میرزا رضا مهندس رواج یافت» (کریمیان، ۱۳۸۰، صص. ۴۴-۵۷).

ترجمهٔ متون علمی با آغاز کار مدرسهٔ دارالفنون در ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۱ م و نیاز محصلان به متن‌های گوناگون علمی وارد مرحلهٔ جدی‌تری شد و آثار متعددی در عرصه‌های مختلف با رویکرد آموزشی و برای تأمین منابع کسب شناخت دانشجویان، ترجمه و به چاپ رسید. در دههٔ اول عصر ناصری، ضرورت آموزش جدید حول محور دارالفنون، موجب ترجمهٔ یک سلسله آثار مختلف و متنوع در این عرصه گردید. «چاپخانهٔ دولتی به همراه چاپخانه قدیمی تبریز و مدرسه دارالفنون مجموعاً ۱۶۰ کتاب چاپ و نشر دادند» (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸، صص. ۱۰۷-۱۱۲) که ۸۸ کتاب آن در مسائل نظامی و راهنمای زبان و پزشکی، ۴ کتاب در مورد رهبران معروف مسلمان، ۱۰ سفرنامه دربارهٔ غرب از جمله سفر ناصرالدین شاه به اروپا، «۱۰ عنوان ترجمه آثار کلاسیک اروپایی، ۱۰ کتاب تاریخی دربارهٔ ایران» (سرجان ملکم، ۱۳۸۲، صص. ۶۷-۷۱) و در نهایت بیش از ۲۰ ترجمه از آثار اروپاییان دربارهٔ تاریخ غرب منتشر کرد.

1. James Kamell
2. *The history of Alexandre*
3. Gebert

موج بعدی ترجمه متون علمی و آموزشی بود که بنا به علاقه شخص ناصرالدین شاه به مظاهر علمی و فرهنگی اروپایی آغاز شد. در این راستا، وزارت انطباعات در سال ۱۳۰۰ هـ ق برای ترجمه و طبع و نشر کتاب تأسیس شد و سرپرستی آن به اعتماد السلطنه واگذار گردید. دارالترجمه همایونی شعبه‌ای از وزارت انطباعات بود که ریاست آن را محمدحسین فروغی (ذکاءالملک) بر عهده داشت (lib.eshia.ir/23022/15/5869). آثاری که مترجمان غیر ایرانی ترجمه می‌کردند، برای ویرایش، به اشخاصی که مهارت در نگارش و انشاء داشتند، سپرده می‌شد. همچنین، «بخش مهم آثار به‌جامانده در دوره قاجار، ترجمه رمان‌ها است» (بالائی، ۱۳۷۷، صص. ۸۶-۹۴). مضمون این رمان‌ها، مورد علاقه و درخواست ناصرالدین شاه بود و خوانندگان هم آنها را مطابق امیال و آرزوهای خود تفسیر می‌کردند. چنان‌که آزادی‌خواهان رمان‌های درباری الکساندر دوم^۱ را «رمان‌هایی انقلابی» می‌دیدند و دلاوری‌های قهرمانان آنها را با تلاش‌های خود مقایسه می‌کردند که این امر به معنای تأثیر «رویگرد ذات‌انگاران»^۲ در ترجمه‌ها قابل تفسیر است. «ورود نوع ادبی اروپایی «رمان» به ادبیات ایران، حاصل ترجمه از زبان‌های اروپایی، به‌خصوص فرانسه بود.» (غلام، ۱۳۸۱، صص. ۵۳-۶۱). ترجمه قالب بیانی و زبانی جدید رمان به‌طور عمده به عصر پیشامشروطه -به‌ویژه دوره مظفری- تعلق دارد. روزنامه تربیت، دربردارنده فهرست کتب ترجمه‌ای علمی دارالفنون، مدرسه نظامی و مدرسه سیاسی است. در بررسی کلی فهرست مذکور، که محمدعلی تربیت از کتب ترجمه‌ای و تألیفی جدید منتشر کرده، مشخص است که سلیقه خوانندگان هم به کتب زبان فارسی و هم به ترجمه و اقتباس متمایل بوده است (روزنامه تربیت، ۱۳۷۶، جلد ۱، شماره ۱-۲۱۱). با این توصیف، می‌توان نیمه دوم قرن سیزدهم قمری را دوره اوج فعالیت مترجمان

1. Alexander Dumas

۲. رویگرد «ذات‌انگاران» در ترجمه یعنی اینکه سفارش‌دهندگان ترجمه‌ها در دوره قاجار، معمولاً، شخصیت خود را در قهرمانان تاریخی اروپایی جستجو می‌کردند. مثلاً عباس میرزای ولیعهد در خواندن ترجمه متون تاریخی، از اسکندر مقدونی و پطر کبیر الهام می‌گرفت.

در ایران دانست. از این رو، این دوره تاریخی، جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری بنیادهای تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی جدید دارد. این امر برای ایرانیان در کنار سایر پیامدها، آشنایی با محصولات تمدن جدید را در پی داشته است. نکته قابل تأمل این است که پدیده ظهور متون ترجمه اروپایی در افق فرهنگی و فکری ایران، با مسئله مدرنیته پیوستگی تام دارد و برای شناخت و تحلیل حرکت ترجمه پیوستگی آن را با مدرنیته باید مورد توجه قرار داد.

آنچه مسلم است و در بررسی بانیان و حامیان پروسه ترجمه محرز می‌گردد، توجه دربار و قدرت سیاسی قاجاریه به ترجمه متون و اولویت یافتن تقاضای آن در پرداختن به ترجمه از سوی نهادهای دولتی است. ناصرالدین‌شاه، مهم‌ترین ساختارهای اداری مورد نیاز مترجمان را در سه مرکز مهم بنا نهاد که شامل دارالترجمه همایونی تحت نظر محمدحسن اعتمادالسلطنه، مرکز ترجمه وزارت امور خارجه و نهاد ترجمه مستقر در دارالفنون بود (ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۰). این سه نهاد ترجمه تحت حمایت و بنا به سفارش دربار ناصرالدین‌شاه به انتخاب موضوعات و محتوای متون جهت ترجمه فعال بودند. اگرچه به تدریج و در دهه‌های آخر حکومت ناصری شاهد رشد ترجمه‌های برآمده از اندیشه متفکران نواندیش داخل و خارج از ایران و ترجمه در روزنامه‌ها به شکل مستقل با هدف تقویت حوزه عمومی هستیم. این عرصه‌های جدید اندیشه‌ورزی و ترجمه به گونه‌ای مستقل از دربار و قدرت سیاسی به فعالیت خود در ترجمه ادامه می‌دادند و هدف از ترجمه را آگاهی‌بخشی به گروه‌های فعال جامعه شهری قرار دادند. موضوع و هدف ترجمه این گروه‌های مستقل از متفکران که در قالب متون تألیفی جدید و یا با تلفیقی از متون ترجمه-تألیفی پرداخته‌اند، «تأکید بر وجه درونی سازی و اجتماعی سازی تغییرات از طریق آگاهی‌بخشی و تحرک‌زایی در توده‌های شهری بود» (بالائی، ۱۳۷۷، صص. ۹۷-۹۶).

ارزیابی منابع ترجمه‌شده سفارشی از دربار به‌ویژه ترجمه‌های نیمه دوم قرن سیزدهم هجری بیانگر آن است که عمده آثار مذکور را می‌توان در هشت حوزه

اختصاصی، موضوع‌شناسی و سنج‌بندی کرد که عبارت‌اند از: ۱- تاریخ؛ ۲- شرح‌حال؛ ۳- سفرنامه؛ ۴- رمان؛ ۵- جغرافیا؛ ۶- نظامی؛ ۷- علمی و ۸- طب (انوار، ۱۳۶۵).

برخی از آثار ترجمه‌شده با مطالب گوناگون از مسائل مذهبی، سیاسی، آیین حکمرانی، علم‌الروح (روان‌شناسی) و... به فارسی برگردانده شده‌اند که در مقوله‌بندی یادشده قرار نمی‌گیرند؛ اما، در موضوع تاریخ، عمده کتاب‌های تاریخی به انقلاب فرانسه، انگلیس و سلطه آن بر هندوستان، دولت عثمانی، تاریخ رم قدیم، تاریخ روسیه و جنگ چین اختصاص دارند.

مطبعه‌های مهم در دوره قاجار به دو دسته اصلی تقسیم می‌شدند: چاپخانه‌هایی که بین سال‌های ۱۲۳۳-۱۲۶۹ هـ.ق فعال بودند و چاپخانه‌هایی که بین سال‌های ۱۳۴۳-۱۲۹۱ هـ.ق به چاپ آثار ترجمه‌شده و سنتی می‌پرداختند. از مهم‌ترین چاپخانه‌های دوره اول رشد صنعت چاپ می‌توان به مطبعه دارالخلافه طهران (دولتی) ۱۲۴۱-۱۲۶۹ هـ.ق با چاپ پانزده کتاب، مطبعه دارالسلطنه اصفهان (دولتی) در سال ۱۲۴۶ هـ.ق با چاپ سه کتاب، دارالطباعة دولتی (دولتی) در سال‌های ۱۲۹۱-۱۳۳۱ هـ.ق با چاپ چهار کتاب، دارالطباعة خاصه همایونی (دولتی) در سال ۱۳۰۰-۱۳۲۱ هـ.ق با چاپ دو کتاب، مطبعه خورشید (غیردولتی) در سال ۱۳۰۵-۱۳۲۴ هـ.ق با چاپ ۱۷ کتاب، مطبعه شاهنشاهی (مطبعه خاصه) که غیردولتی بود در سال ۱۳۲۶-۱۳۱۶ هـ.ق با چاپ ۱۶ کتاب، مطبعه معارف (دولتی) در ۱۳۱۸ هـ.ق با چاپ پنج کتاب نام برد. علت عمده گرایش به ترجمه متون تاریخی را سفارش ناصرالدین‌شاه برشمرده‌اند. این مسئله در «مقدمه اکثر متون ترجمه‌شده در این موضوع، قابل مشاهده است» (نوابی، ۱۳۶۳، صص. ۲۶-۳۲). ناصرالدین‌شاه در ازای ترجمه این متون به مترجمان پاداش می‌پرداخته است؛ اما مؤلفه کنجکاوی نسبت به شناخت دنیای جدید در قالب ترجمه تواریخ و الگوپذیری از حکمرانان موفق را نیز در بین علل توجه به این سنخ از موضوعات برای ترجمه می‌توان برشمرد (انوار، ۱۳۶۵). در حوزه مباحث تاریخی می‌توان از متون ترجمه‌شده ذیل نام برد؛

جدول ۱. تنوع زبانی ترجمه‌ها در حوزه مطالعات تاریخی

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	تاریخ تنزل و خرابی دولت روم	انگلیسی	رضا مهندس	ادوارد گیبون ^۱	۱۲۴۷ ه.ق.
۲	تاریخ سلاطین روم	فرانسه	رضا مهندس	ادوارد گیبون	قرن ۱۳ ه.ق.
۳	تاریخ پنج سلطان عثمانی	ترکی	ذکی مازندرانی	هانری ماتیه ^۲	قرن ۱۳ ه.ق.
۴	تاریخ دولت عثمانی	ترکی	ذکی مازندرانی	موسیو هامر	قرن ۱۳ ه.ق.
۵	تاریخ روسیه	روسی	میرزا آبکار ارمنی	موسیو هامر ^۳	
۶	تاریخ روسیه	روسی	مادروس داود خانف	سرگی سلویف ^۴	۱۲۸۲ ه.ق.
۷	تاریخ جدید	روسی	مادروس داودخانف	لامه فلوریه	۱۲۸۷ ه.ق.
۸	تاریخ انگلیس	انگلیسی	شیخ رضا اخوی حاجی محسن خان	لامه فلوریه ^۵	قرن ۱۳ ه.ق.
۹	حکومت انگلیس در هند	انگلیسی	علی بن رضا نامه‌نگار	بارن یار شوده پان	۱۲۹۶ ه.ق.
۱۰	محاصره پاریس	فرانسه	رضاخان پسر موسیو ریشارخان	بارن یارشودوپان ^۶	۱۲۸۹ ه.ق.
۱۱	شرح احوال پروس	فرانسه	میرزا حسین بن میرزا عبدالله سرابی	نامعلوم	قرن ۱۳ ه.ق.
۱۲	جنگ فرانسه و پروس	فرانسه	میرزا عیسی خان گروسی	یک مخبر انگلیسی	۱۲۹۵ ه.ق.
۱۳	تاریخ شهر قسطنطنیه و	ترکی	محمدحسین بن رضاقلی	میرزاعسی	۱۲۶۱ ه.ق.

1. Edward Gibon
2. Henry Matier
3. Humer
4. Sergey Seliov
5. Lame Florirer
6. Baron Yarsho Dupan

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
	قیاصره		قاجار	خان گروسی	
۱۴	تاریخ جنگ مشرق زمین	فرانسه	محمدکاظم بن احمد	موسیو آمد لوفر ^۱	۱۲۹۸ ه.ق.
۱۵	تاریخ صد سال فرنگستان و آفریقا و ینگی دنیا	فرانسه	میرزا هارطون		۱۲۸۳ ه.ق.
۱۶	جنگ چین	انگلیسی	علی بن محمد بن عبدالرزاق دنبلی	ژنرال بلوندل ^۲	قرن ۱۳ ه.ق.
۱۷	حوادثنامه	ترکی	محمد رضی تبریزی	نامعلوم	۱۲۱۲ ه.ق.
۱۸	تاریخ اسکندر	انگلیسی	نامعلوم	جیمز کامل ^۳ انگلیسی	۱۲۲۸ ه.ق.
۱۹	تاریخ ناپلئون	فرانسه	میرزا رضا مهندس	والتر اسکات ^۴	اواسط قرن ۱۳ ه.ق.

درواقع، ترجمه متون تاریخی از این جهت که ساده‌ترین روش برای رشد خودآگاهی درباریان و حتی شاه بود از اهمیت زیادی برخوردار بود به گونه‌ای که ناصرالدین‌شاه، شخصاً، یکایک متون ترجمه‌شده در زمینه تاریخ و تاریخ‌نگاری را می‌دید و برای مترجمان آن صله یا پاداشی در نظر می‌گرفت (انوار، ۱۳۶۵). ممیزه و خاصیت کاربردی سازی تاریخ و کنجکاوی شاه قاجار برای کشف و درک رخدادهای اروپا و توجه به تواریخ قهرمان‌محور از ویژگی‌های قدرت‌مداری تجدّد در دوره ناصرالدین‌شاه بود.

مترجمان این دوره علاوه بر ترجمه شرح حال امپراتوران اروپایی از جمله ناپلئون، ملکه ویکتوریا، لویی چهاردهم، به ترجمه درباره آزادی خواه بزرگ فرانسه

1. Amed Luffer
2. General Blondel
3. James Kamell
4. Walter Scott

«ژاندارک»^۱ و افراد عادی چون «ژیل بلاس»^۲ خدمتکار پادشاه اسپانیا و گراپرل خانمی انگلیسی همّت گماردند. اغلب مترجمان در مورد منابع شرح حال نویسی و تاریخ‌نگاری توان تشخیص و تعیین تفاوت محتوا را نداشته‌اند، بلکه این نوع منابع را به‌طور عام در زمره متون تاریخ‌نگاری و یا تاریخ واقعی تلقی کرده‌اند. ترجمه این نوع منابع مورد علاقه شاه و درباریان و با هدف شناخت کلی از اوضاع جغرافیایی و تاریخی جهان صورت می‌گرفت و متقاضی ترجمه آنان نیز دربار بود. توجه هیئت حاکمه به ترجمه چنین متونی، ناشی از علاقه و میل آنان به تشابه شخصیت خود با رهبران بزرگی بود که در تاریخ سرزمین خود دگرگونی و افتخار ثبت کرده بودند که این امر به رشد آگاهی آنان از وقایع و حوادث مهم تاریخ اروپا منجر می‌شد. بخش مهمی از مخاطبان عامه، برخی متون خیالی ترجمه‌شده را همچون وقایع تاریخی و یا بررسی‌های جغرافیای جدید در نظر می‌گرفتند که از جمله این اشتباه در مورد ترجمه متون رمان‌نویسی و یا سفرنامه دور دنیا در هشت روز اتفاق افتاده است (غلام، ۱۳۸۱، ص. ۴۸). از جمله این منابع که مورد استفاده قرار گرفته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

جدول ۲. گونه‌های ترجمه شده در موضوع شرح حال نویسی

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	تاریخ فردریک کبیر	فرانسه	میرزاعیسی گروسی	نامعلوم	۱۲۹۶ ه.ق
۲	احوال پرنس کنسر شوهر ملکه ویکتوریا	انگلیسی	علی‌بن رضا نامه‌نگار	لیوتنان گری ^۳	۱۲۹۴ ه.ق
۳	تاریخ امپراتور نیکولا وقایع سی سال سلطنت او	فرانسه	مسیو ریشارخان	نامعلوم	۱۲۷۵ ه.ق
۴	شرح حال نیکولای اول	فرانسه	حکیم پولاک نمساوی	نامعلوم	۱۲۷۴ ه.ق
۵	سرگذشت ژیل بلاس	فرانسه		لوساز ^۴	قرن ۱۳

1. Joan of Arc
2. Jill Blas
3. Livtenan Garey
4. Lussage

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
					ه.ق
۶	شرح زندگی ژاندارک	فرانسه	پطرس روسی	شیلر ^۱ نمسه‌ای	۱۲۷۳ ه.ق
۷	تاریخ الکساندر اول	روسی	ماردروس داودخانف		۱۲۸۳ ه.ق
۸	تاریخ پتر کبیر	روسی		ولتر ^۲	قرن ۱۳ ه.ق
۹	تاریخ مختصر پتر کبیر	روسی	میرزا اکبر		۱۲۸۳ ه.ق
۱۰	تاریخ ناپلئون	فرانسه	میرزا رضا مهندس	از مأخذ متعدد غربی	۱۲۶۶ ه.ق
۱۱	تاریخ ناپلئون	فرانسه	میرزا رضا مهندس	از مأخذ متعدد عربی	۱۲۶۶ ه.ق
۱۲	تاریخ ناپلئون چهارم	فرانسه	رضای غفاری	لارنس دوپن ^۳	قرن ۱۳ ه.ق
۱۳	تاریخ ناپلئون اول	فرانسه	محمد رضا تبریزی		۱۲۶۲ ه.ق
۱۴	شرح حال ناپلئون	فرانسه			قرن ۱۳ ه.ق
۱۵	تاریخ ناپلئون اول	فرانسه	محمد رضا مهندس باشی		۱۲۵۳ ه.ق
۱۶	سرگذشت گراپل انگلیسی	انگلیسی	منوچهر بن عمادالدوله	گراپل ^۴ زنی انگلیسی	۱۲۱۰ ه.ق
۱۷	شرح حال ملکه ویکتوریا	انگلیسی		باروق دو نرمال ^۵	قرن ۱۳ ه.ق
۱۸	مشکوه الادب ناصری	فرانسه	عباسقلی خان سپهر	نامعلوم	قرن ۱۳ ه.ق
۱۹	تاریخ بیزمارک	انگلیسی	بارون نورمان	دکتر مورتیس بوش ^۶	

1. Shiller
2. Voltaire
3. Larense Dupan
4. Graperl
5. Baron Du normal
6. Mortiss Bush

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۲۰	تاریخ بیزمارک	انگلیسی	نامعلوم	نامعلوم	۱۲۹۹ ه.ق

از موضوعاتی که گرایش به ترجمه آنها بیشتر بوده سفرنامه‌هاست که میرزا عیسی‌خان گروسی نقش اصلی را در ترجمه آنها ایفا کرده است. این گونه ادبیات، ترجمه شرح و توصیف اکثر نقاط جهان را دربر داشت. سفرنامه‌ها از جمله اولین منابع مورد توجه قدرت حامی (سفارش‌دهندگان) ترجمه بود و گاه با منابع جغرافیای جدید در یک چارچوب موضوعی قرار گرفته‌اند. شناخت جغرافیای عالم و تحولات و تقسیم‌بندی‌های سیاسی و جغرافیایی جدید و برآوردن حس کنجکاوی و جستجوگری در مناطق تازه کشف شده جهان در نهاد قدرت حامی ترجمه‌ها از علل گرایش به این نوع از ترجمه‌ها بوده است. هرچه به دوره اوج‌گیری ترجمه این گونه متون نزدیک‌تر می‌شویم، شاهد «مشخص شدن حوزه تخصصی کار برخی مترجمان هستیم که گاه در یک یا دو موضوع به ترجمه پرداخته‌اند (دوما، ۱۳۸۳، صص. ۴-۷). در دوره ناصری تحت تأثیر مطالعه سفرنامه‌های اروپایی، سفرنامه‌هایی متمایز از سفرنامه‌های پیشین نگارش شد که نمونه مهم آن را می‌توان *سفرنامه میرزا فتح گرمودی و سفرنامه میرزا صالح شیرازی* برشمرد که از حیث محتوا و متن با میراث پیشین این حوزه، تفاوت اساسی دارند. پدید آمدن رمان‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی، خاطره‌نویسی و سفرنامه‌نویسی در ادبیات منشور ایران از تأثیرات مهمی بود که ارتباط با اروپا ایجادکننده آن بود. او دوازدهمین دختر ناصرالدین‌شاه قاجار بود که بسیاری از کلیشه‌های جنسیتی در دربار قاجار را زیر سؤال برد. او از معدود زنان دوره قاجار است که از خود خاطرات به‌جا گذاشته و در آن از فعالیت‌های فکری، علمی و باورهای خود سخن می‌گوید. او به مطالعه متون ترجمه‌شده می‌پرداخت و در فکر و رفتار از آنان متأثر بود (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۲).

در دوره ناصری و مظفری سفرنامه‌های زیادی نوشته شد که *سفرنامه ابراهیم صحاف‌باشی* از جمله آنان است. صحاف‌باشی از فارغ‌التحصیلان دارالفنون بود و از

حدود ۱۲۹۶ به بعد به سفر پرداخت. او در سفرنامه‌اش به توضیح نکاتی پرداخته که سفرنامه‌نویسان دیگر از نوشتن آن غفلت می‌کردند؛ از جمله، او از نرخ کرایه کالسکه‌ها، اجناس و ... سخن می‌گوید (صحاف‌باشی، ۱۳۷۵). ترجمه رمان به‌ویژه رمان‌های تاریخی نیز مورد اقبال قرار گرفت. از نویسندگانی که به‌شدت تحت تأثیر مطالعه رمان‌های فرنگ قرار گرفته، تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه بود (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۲).

اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران آن روز، شرایط لازم را برای روی آوردن به سفرنامه‌نویسی و رمان‌نویسی فراهم کرد. روح اجتماعی آن روزگار دیگر کتاب‌های عهد مغول را نمی‌پسندید. این مسئله در نامه‌ای از آخوندزاده به میرزاآقا تبریزی بازتاب یافته است که می‌نویسد: «دور گلستان و زینت اعجابش گذشته است. امروز این قبیل تصنیفات به کار ملت نمی‌آید، امروز تصنیفی که متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است فنّ دراما و رمان است» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۷۷).

به همین دلیل نگارش و خواندن متون جدید همچون سفرنامه و رمان شور و شوقی در میان خوانندگان پدیدآورده بود که بی‌سابقه بود. صادق مستشارالدوله از شوق پدرش برای خواندن رمان *تریل بلاس* حکایت می‌کند: «در تبریز هر روز صبح خدمت پدرم زبان فرانسه می‌آموختم و اول رمانی که پدرم می‌خواند *تریل بلاس* بود که از کتابدار مظفرالدین شاه -لسان‌الدوله- می‌گرفت» (مستشارالدوله، ۱۳۶۱، صص. ۱۵-۱۶). از منابع سفرنامه‌ای ترجمه‌شده می‌توان به منابع ذیل اشاره کرد:

جدول ۳. منابع ترجمه شده در موضوع سفرنامه‌نویسی

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	مسافرت به حبشه	فرانسه	نامعلوم	بلانک ^۱	اواخر قرن ۱۳ ه.ق
۲	سیاحت‌نامه ملکه انگلیس	انگلیسی	رضاخان (از طایفه ریشارخان)	ملکه ویکتوریا	۱۲۸۵ ه.ق

1. Blank

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۳	سفرنامه لندن	انگلیسی	علی بن رضا نامه نگار	گوستاو دره بلانشار ژرلد ^۱	۱۲۹۴ ه.ق.
۴	احوال چین	فرانسه	میرزا صادق	ادوارد برجیس ^۲	۱۲۶۱ ه.ق.
۵	مجموع ۵ سفرنامه	فرانسه	عبدالحسین خان فشی		قرن ۱۳ ه.ق.
۶	سفرنامه اوایلس	انگلیسی	سیدعبداله	اوایلس ^۳	قرن ۱۲
۷	مسافرت ادوارد ولیعهد انگلیس به هند	انگلیسی	سیدعبدالله		قرن ۱۳
۸	شش سفرنامه	فرانسه	علی بن رضا نامه نگار		قرن ۱۳
۹	سیاحت نامه سواحل افریقا	فرانسه	علیقلی	موسیو فلوریو دولانگل ^۴	قرن ۱۳ ه.ق.
۱۰	سفرنامه شام	فرانسه	عیسی خان گروسی	لرت ^۵	۱۲۹۷ ه.ق.
۱۱	سفرنامه دکتر هارمان	انگلیسی	عیسی خان گروسی	هارمان ^۶	۱۲۹۷ ه.ق.
۱۲	سفرنامه یونان	فرانسه		موسیو هانری بل ^۷	قرن ۱۳ ه.ق.
۱۳	سفرنامه شارل ژلیه	فرانسه	میرزا عیسی خان گروسی	شارل ژلیه ^۸	۱۲۹۷ ه.ق.
۱۴	سفرنامه سوماترا	فرانسه	میرزا عیسی خان گروسی	موسیو وت ^۹	قرن ۱۳ ه.ق.
۱۵	سفرنامه مونتگرو	فرانسه	گروسی	شارل ایرپارت ^{۱۰}	۱۲۹۴

1. Gustave Dre Blanshar Gerld
2. Edward Berjis
3. Evailis
4. Florio Du Langell
5. Lert
6. Hermen
7. Henry Bell
8. Charl Jeliet
9. Vott
10. Charl Airpart

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱۶	شرح شهر طبسا	فرانسه	گروسی		۱۲۹۷ ه.ق
۱۷	توردو مند	فرانسه	میرزا نصراله خان طیب	نامعلوم	قرن ۱۳
۱۸	سفرنامه استانیلی آفریقا	فرانسه	اوانس خان	نامعلوم	
۱۹	سفرنامه خیوق (خیوه)،	فرانسه	محمدعارف ارزرومی (اسپاتچی)	قرماگان ^۱	قرن ۱۳
۲۰	از پکن تا پاریس	فرانسه	محمدطاهر میرزا	شارل واپرو ^۲	قرن ۱۳
۲۱	سفرنامه ترکمنستان	فرانسه	مادروس داود خانف	پاتینو ^۳	۱۲۸۶
۲۲	سفرنامه ترکمنستان		علیخان	موسیو موزر ^۴	قرن ۱۳
۲۳	سفرنامه	فرانسه	میرزا عیسی گروسی	مادام کارلاسرنا ^۵	۱۲۹۹
۲۴	سیاحتنامه یونان	فرانسه	گروسی	هانری بل ^۶	۱۲۹۶
۲۵	متمم سفرنامه دکتر کروو	فرانسه	گروسی	کروو ^۷	۱۲۹۸ ه.ق
۲۶	سفرنامه مالزی	فرانسه	علیقلی	موسیو آلفرد روس ^۸	قرن ۱۳
۲۷	هفت سفرنامه	فرانسه	علی بن رضا نامه نگار		قرن ۱۳
۲۸	سفرنامه هندوستان	فرانسه	رضای غفاری	موسیو لویی روسله ^۹	۱۲۹۱

1. Qermagan
2. Charl Vaprou
3. Patino
4. Mr Mosser
5. Mrs Carla Serena
6. Henry Bell
7. Krovo
8. Alfered Ross
9. Luis Rosseler

بررسی ترجمه‌های اولیه که متعلق به این دوره هستند «بیانگر ترجمه شیوا و روان از زبان انگلیسی به فارسی در حوزه‌های شناخت تاریخی و جغرافیای جدید» است (کیانفر، ۱۳۶۸، ص. ۲۳) ترجمه کتاب‌های جغرافیایی، تقریباً، شامل همه نقاط عالم می‌شد و به هیچ محدوده جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شد؛ به طوری که ترجمه متن جغرافیایی در مورد ایران از یک جهانگرد انگلیسی مورد توجه قرار گرفت و توسط آنتوان مسیحی به فارسی برگردانده شد. وجه غالبی که در اثر ترجمه متون جغرافیایی در ایران شکل گرفت توجه به عملی کردن دانش و یا روش‌های جدید جغرافیا برای ارزیابی موقعیت ایران یا سنجش جغرافیای ایران و طراحی نقشه‌های جدید برای اولین بار از جغرافیای ایران و برخی شهرهای آن و تشکیل گروه‌های ترسیم نقشه برای نقشه‌کشی از تهران و سایر شهرها بود. این امر به معنای غلبه «وجه کاربردی و میدانی علم جغرافیا بر وجه شناختی و تولیدگر آن تلقی می‌شد» (پورجوادی، ۱۳۶۵، ص. ۳۹).

جغرافیای جدید با رمل و اسطرلاب مشابهتی نداشت و ریاضیات با محاسبات تراویده از نظر مکتب‌داران و متولیان آموزش دینی و همچنین «طبیعیات با الهیاتی که تمام هم آن بهترسازی طهارت بود هیچ‌گونه سنخیت هستی‌شناختی، معرفتی و یا روشی نداشتند» (اکبری، ص. ۸۸). به تدریج پای علوم جدید، نه در میان عموم مردم، بلکه در بین بخشی از گروه‌های اجتماعی راه یافت و توانست مسائلی را مطرح سازد که جایی در موهومات قرون گذشته نداشت. ویژگی مهم دیگر این علوم علاوه بر تفاوت مبنایی و ماهیتی و روشی با آموزه‌های سنتی در این بود که بر اساس نیازهای مردم به وجود آمده بود و به بهسازی زندگی انسان و جوامع منجر می‌شد. بنابراین، صرف وجود دارالفنون در ایران آفرینشگر فضایی شد که با فضای سابق به کلی متضاد بود و محتوای آن را ارزش‌های مترقی تشکیل داده بود. اعتمادالسلطنه گزارش قابل توجهی از ترجمه کتاب‌های نویسندگان اروپایی ارائه داده است که توسط «معلمان و دانشجویان دارالفنون ترجمه شده‌اند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۱۵۶).

بنابراین، اگرچه نباید آثار عملی دارالفنون و وسعت و کارکرد آن در جامعه ایران مبالغه کرد، اما این مدرسه اوّلین پایگاه علوم دنیایی متمدن آن روز بود و در ایام مشروطه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع پیدایش علم و دانش جدید و تغییردهنده بخشی از گروه‌بندی‌های اجتماعی مطرح می‌شد. این مرکز آموزش جدید تفکر نوخواهی و لزوم برقراری دگرگونی را در ساختار تربیتی پیشین ایران پدید آورد. باید در نظر داشت که تحوّل مبانی علوم در غرب با تحولات در ساختار سیاسی و نگرش نسبت به علوم طبیعی همراه بود و جامعه ایران این دگرگونی‌ها را از سر نگذرانده بود؛ بنابراین، نوعی تقابل بین وضع غالب سنتی با وضع جدید پیش آمد. در اثر تحولات سیاسی در اروپای قرن نوزدهم، علوم از جمله علوم تربیتی و آموزش و سایر شاخه‌ها انسانی‌تر شدند و نظام‌های آموزشی اروپا متأثر از این دگرگونی‌ها حیات تازه‌ای پیدا کردند و جامعه را به مسیر جدیدی سوق دادند. اروپا در اثر تحول علوم توانست نسبت به بخش قالب توجّهی از ناشناخته‌های خود شناخت پیدا کند و از طریق علوم طبیعی به تسخیر طبیعت و درک روش‌های جدید رسیدن به یقین علمی دست یابد و عصر روشنگری را برای خود رقم بزند. این میراث ارزشمند در دهه‌های اوّل قرن سیزدهم هجری مورد توجّه برخی حکام ایرانی قرار گرفت و «کانال ترجمه وسیله‌ای برای انتقال این میراث و انطباق آن با اوضاع ایران شد» (غلام، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۸)؛ اما در مورد اصالت میاخذ اقتباسی مترجمان و مؤلفان جدید باید گفت که از دهه سوم تا هشتم قرن سیزدهم هجری هیچ‌کدام از آنان گفته‌ها و نوشته‌ها و نظریات و عقایدی که در خلال آثارشان ارائه دادند از اصالتی همچون مراجع اروپایی‌شان برخوردار نبودند و «آراء آنان در تحلیل نهایی و بازنویسی و بازگویی در محتوای راستین مطالب نوعی تحریف هم ایجاد کرد» (بالایی، ۱۳۷۷، ص. ۵۸). دلیل عمده این عدم اصالت نواندیشان ایرانی آن دوره در متن و بطن تاریخ سرزمین خودشان نهفته است؛ زیرا در طی قرون متمادی، عملاً، آزادفکری و آزاداندیشی در ایران چندان مجاز نبود و این از خواسته‌های حکومت خودکامه در ایران بود. مقابله حکومت‌ها با اندیشه خلاق و آفرینشگر محصل غیرانسانی داشت و در نتیجه در

چشم‌انداز کلی ایران در ادوار مختلف تراوش اندیشه و تحول فکری و فرهنگی کمتری رخ می‌داد و ایران از مسیر ترقی فاصله گرفت؛ بنابراین، تفکر درون‌گرا باعث پرداختن به تحلیل متافیزیکی و آسمانی در برخورد با مسائل زمینی انسان شد و در نتیجه از خواست‌ها و نیازهای عینی انسان دور شدند. «سنت غالب به شکل فکر پذیرنده و مطیع، غیر تحلیلی، منطق‌گریز بر جا مانده بود» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص. ۳۲۷).

بازتاب ترجمه متون و اخبار در روزنامه ایران و روزنامه وقایع اتفاقیه به گونه‌ای بود که در سال ۱۲۸۸ هـ ق به فرمان ناصرالدین‌شاه روزنامه ایران از ادغام چند روزنامه و به مدیریت میرزا محمدحسن خان اعتمادالسلطنه منتشر شد و تا سال ۱۳۲۰ هـ ق نشر آن ادامه یافت. روزنامه ایران اولین روزنامه‌ای بود که خبرنگار داشت. از ویژگی‌های آن داشتن پاورقی است که معمولاً ترجمه کتاب‌های اروپایی به عنوان پاورقی در صفحات آن چاپ می‌شد. در شماره اول روزنامه ایران، سفرنامه کاپیتان اتراس^۱ به قطب شمال با ترجمه اعتمادالسلطنه درج شده است. این روزنامه علاوه بر ترجمه داستان‌های اروپایی، دارای بخش مربوط به حوادث کشورهای دیگری تحت عنوان اخبار غیررسمی خارجه است. این روزنامه از جهت «رواج ترجمه به‌ویژه رواج داستان‌نویسی و تقلید نویسندگان ایران از شیوه داستان‌نویسی اروپایی، منبع پراهمیتی است» (کیانفر، ۱۳۷۳، صص. ۳۶-۳۲).

روزنامه وقایع اتفاقیه به لحاظ دربرداشتن اطلاعات در موضوع جغرافیای تاریخی عصر قاجار هم از منابع مهم است. اخبار سفرنامه‌های داخلی شاه در این روزنامه به‌دقت درج می‌شد و هر جا که شاه می‌رفت به شرحی از اوضاع جغرافیایی آنجا می‌پرداخت و همچنین مجموعه‌ای از اخبار ایران و جهان و یک بخش از آن‌هم با عنوان اخبار دول خارجه و احوالات متفرقه به ترجمه و نشر مقالات و اخبار می‌پرداخت. این روزنامه بین سال‌های ۱۲۶۷-۱۲۷۷ هـ ق منتشر می‌شد. در اواسط دوره قاجار ایران به شکل جزئی از جهان درآمد و نمی‌توانست از این خیزش

1. *Captain Etras*

همه‌جانبه برکنار باشد. این امر به شکل برنامه‌های نوگرایانه برخی حکومتیان که هر از چندی مطرح می‌شد مورد توجه مقطعی قرار گرفت و این مسئله از عوامل اصلی نوگرایی بود. در این فضای تاریخی برخی از متفکران ایرانی رشد کردند و به متن رویدادهای علمی جهان مترقی راهی شدند. این گروه پذیرنده قطعی بخشی از دستاوردهای مدرن غرب شدند و اغلب آنان تا پایان عمرشان در خارج ماندند و به انتقال دستاوردهای تحول فکری و فرهنگی اروپا پرداختند؛ اما مسئله آنان عدم انطباق شرایط عینی جامعه با تحولات جدید و تداوم غلبه باورهای سنتی بود. شناخت راه‌های دریایی و کشف سرزمین‌ها مورد توجه مترجمان قرار گرفت تا ذهن جستجوگر انسان ایرانی را برانگیزد و آن را از نگاه متافیزیکی به یک نگاه زمینی و واقع‌نگر توجه دهد (صنیع‌الدوله، ۱۲۸۸ هـ ق، صص. ۵ - ۱).

آموزش و ترجمه در عرصه علوم زمین و جغرافیای جدید در دارالفنون مورد توجه بود و در برنامه درسی دارالفنون اشاره شده است؛ اما امیرکبیر، شخصاً، برای علم جغرافیا جایگاه ویژه‌ای در تنویر افکار ایرانیان و بیداری نسبت به مسائل جهانی قائل بود. او در زمان حضور در ارزنة‌الروم جان داودخان ارمنی را مأمور ترجمه کتابی در علم جغرافیا کرد که این اثر با عنوان *جهان‌نمای جدید* در موضوع جغرافیای تاریخی سیاسی و اقتصادی جهان به انعکاس تحولات عصر جدید و نوگرایی می‌پرداخت. این اثر چنان جایگاه و اهمیتی داشت که تا آن دوره و از آن به بعد هم اثری هم‌شأن با آن در زبان فارسی گردآوری و تألیف نشد. نویسنده، این اثر را از چند اثر فرانسوی‌زبان به فارسی برگرداند. این اثر در تبریز چاپ و یک‌صد نسخه از آن به تهران ارسال گردید و در ۱۲۶۷ هـ ق در آنجا هم منتشر شد. *جهان‌نمای جدید* اولین اثر در جغرافیای عمومی بود که ترجمه و به چاپ رسید. توجه به شناخت جغرافیای عوالم بیرونی و رشد نگرش واقع‌بینانه باعث شد تا به دستور امیرکبیر نقشه جغرافیای عالم در ۲۵ قطعه تهیه و چاپ شود. این نقشه‌ها به «نقشه‌های رفائیلی» مشهور گردید. رفائیل^۱ یونانی در تبریز «نقشه جهان‌نما» و یک نقشه ایران را از روی

1. Rafael

نقشه الکساندر برنز انگلیسی ترسیم کرد و به وسیله سفیر بریتانیا برای امیرکبیر فرستاد. کلنل شیل^۱ به امیرکبیر نوشته بود: «پس از ملاحظه خواهید فهمید که خیلی خوب از عهده برآمده است و مقبول خواهد افتاد» (شیل، ۱۳۶۸، ص. ۴۵)؛ اما امیرکبیر آن را نپسندید؛ از آن جهت که حفظ مرزی خراسان و ترکستان مورد تأیید او قرار نگرفت. از این رو، محمدعلی خان، وزیر خارجه، آن نقشه را به سفارت بریتانیا پس داد و به او نوشت: «دولت ایران نقشه او را نمی تواند قبول نماید...»؛ بنابراین، علائم و نشانه های تحول در جهان بینی برخی رجال ایران دوست انگیزه ای برای ورود به مسائل و مباحث علم جدید جغرافیا گردید (مازندرانی، میرزا زکی: جغرافیا، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۳۴۷۱). طراحی نقشه ای از سرزمین و گستره سرزمینی ایران با توجه به تهدیدات ارضی و اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ایران برای افرادی همچون امیرکبیر مکشوف و واضح بود. این صدراعظم نوجو و ترقی خواه ایران در نظر داشت که نقشه کامل همه ایالات ایران را فراهم سازد و برای این منظور میرزا حسن را به اصفهان فرستاد و در شعبان ۱۲۶۷ هـ ق به نایب الحکومه آنجا، چراغعلی خان، نوشت: «آن عالیجاه قدغن نماید منزل مناسبی جهت مشارالیه معین نمایند که آمدوشد زیاد نداشته باشد و به فراغت مشغول کار گردد. در صورتی که محتاج به شخص بلدی باشد که نقشه اصفهان و متعلقات آن را بکشد، البته مضایقه نکرده و آدم بلدی تعیین نماید که با مشارالیه گردش کند و ...». پس از تکمیل ترسیم نقشه اصفهان امیرکبیر این نقشه را پسندید و به شاه قاجار نوشت: «بسیار خوب نقشه ای است کم کم باید کل ایران را همین طور کشید و نگاه داشت» (آدمیت، ۱۳۵۵، صص. ۳۷۶ - ۳۷۵). ترجمه متون جدید جغرافیایی تحلیل مسائل ارضی و سماوی و تحولات ژئولوژی را به چالش کشاند (همدانی، محمدباقر بن محمدجعفر: رساله در سکون زمین و حرکت آفتاب، تهران، ۱۲۹۴ ق، خطی، ۱۹۶/ف، صص. ۵۲-۵۹). جغرافیای جدید در نظام آموزشی وسیع و دامنه دار جدید طراحی شد و اقتباس روش های نوین و ترجمه منابع آنان تحول مهمی در آموزش و پرورش فکری و فرهنگی به طور کلی به وجود آورد و

1. Colonel Shel

به دگرگونی وضعیت اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران کمک کرد. این گونه اقتباسات نوعی پدیده تحولی و تکاملی بود؛ بنابراین، نمی‌توان آغاز دقیق و مشخصی برای آن در نظر گرفت؛ اما افتتاح دارالفنون در ۱۲۶۸ هـ ق و تأسیس وزارت علوم در ۱۲۷۳ هـ ق و وقوع انقلاب مشروطه سرآغاز فصل نوین «معارف جدید از جمله جغرافیا بود. در مدارس ملی جغرافیا از کتاب مهندس الممالک تعلیم داده می‌شد» (صدیق، ۱۳۴۷، ص. ۳۶۴).

متون جغرافیایی عمومی مورد توجه مترجمان به شرح ذیل است:

جدول ۴. اصلی متون ترجمه شده در حوزه جغرافیای جدید

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	جغرافیای قفقازیه	روسی	مادروس داود خانف	نامعلوم	۱۲۷۸ هـ ق
۲	ترجمه کتابی در باب قمیسیون علمی اروپا	فرانسه	نامعلوم	نامعلوم	اواخر قرن سیزدهم هـ ق
۳	جغرافیای عالی	فرانسه	موسی ژان داود خان مترجم	نامعلوم	اواسط قرن سیزدهم
۴	شرح جزیره سراندیپ و عمل چایکاری آنجا	انگلیسی	اسماعیل صحاف‌باشی	نامعلوم	اواخر قرن سیزدهم
۵	جغرافیای صورتی ینگی دنیا	انگلیسی	اسماعیل صحاف‌باشی	ویلیس ^۱	۱۲۹۸ هـ ق
۶	کتابی در جغرافیا	فرانسه	فلوعون رافائل	نامعلوم	۱۲۶۶ هـ ق
۷	ترجمه جغرافیا تاریخی	فرانسه	علی مترجم	آبه گلینته ^۲	قرن ۱۳ هـ ق
۸	جغرافیای عالم	انگلیسی	نامعلوم	برجیس ^۳ انگلیسی	۱۲۶۷ هـ ق
۹	احوال تراکمه	فرانسه	نامعلوم	موسیو بارن نرمال ^۴	۱۲۹۹ هـ ق
۱۰	منازل بین تهران و مشهد	انگلیسی	آنتوان مسیحی	یک جهانگرد	۱۲۸۴ هـ ق

1. Villiss
2. Abe Glinier
3. Berjiss
4. Barron Normal

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
				انگلیسی	
۱۱	جغرافیا	فرانسه	عبدالرحیم الطیب بن احمد الادیب الکاشارنی	موسیو بروسکی ^۱	۱۲۹۱ ه.ق.

یکی از الگوهای ترجمه که توسط مترجمان عصر ناصری انجام می‌شد، ترجمه مجموعه‌ای از چند اثر و چاپ آن در یک مجلد بود. در این سبک ترجمه، مترجمان با درک کمبودهای آثاری در برخی حوزه‌های خاص در زبان فارسی نیاز به تولید آن را احساس می‌کردند و به چنین روشی از ترجمه روی می‌آوردند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان از ترجمه جهان‌نمای جدید در موضوع جغرافیای جدید به دستور امیرکبیر و یا گردآوری فرهنگ لغات فرانسه-فارسی در ۱۲۹۶ هـ.ق به‌منظور پیوند و ارتباط با سایر کشورها و آموختن علوم و اصطلاحات جدید از اصل اروپایی نام برد. در ترجمه‌های اولیه، عمده تلاش مترجم «در ارائه شکل معمولی از نثر فارسی، فاصله‌گیری از ساختار زبان اصلی متن ترجمه شده بود» (بالایی، ۱۳۷۷، ص. ۳۵). اکثر مواقع، مترجم بر اساس اصطلاحات رایج در زبان فارسی ناگزیر به کاربرد تعابیر ویژه و معمول مثل کاربرد واژه «رعایا» به جای «مردم» در متن فارسی می‌شد که این امر بیانگر غلبه ذهنیت سنتی مترجم بر محتوای جدید بود (آرین پور، ۱۳۷۲، جلد ۱، ص. ۲۶۰). درواقع، معادل‌یابی برای بخش مهمی از واژگان با توجه به محدودیت‌های فرهنگ لغات چندزبانه، امری مشکل بود و اغلب از معلمان خارجی دارالفنون بهره گرفته می‌شد. این نوع دگرگونی در معانی در بسیاری از آثار ترجمه‌شده اعمال شده است و متأثر از فضای زبانی و بیانی جامعه مبدأ (جامعه عصر مترجم) بوده است. درواقع، دخل و تصرفات مترجم در متن ترجمه‌شده «گاهی به آن روح بیشتری می‌بخشید و آن را تا سطح یک تألیف جدید پیش می‌برد» (امامی،

1. Brosky

۱۳۵۷، صص. ۳۵ و ۴۸). ترجمه‌های مورد علاقه دربار ناشی از خواست شاه و درباریان برای شناخت جنبه‌هایی از دنیای جدید بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵، صص. ۱۶۷-۱۷۲) و ترجمه‌های در عصر ناصری محدود به این آثار تاریخی نبود، بلکه به ترجمه در حوزه روشنگری از طریق ترجمه رمان و فلسفه و ادبیات گسترش یافت (فشاهی، ۱۳۵۲؛ نوابی، ۱۳۶۳، صص. ۴۶-۵۳). روزنامه‌ها نیز در ترجمه خود به دنبال منعکس کردن فضای جدید غرب و اخبار تحولات آن در بین گروه‌های عمومی بودند. در مجموع، در عصر ناصری حدود پانصد اثر توسط یک‌صد و سی مترجم، ترجمه شد که در آنها تنوع موضوعی و تعدد مترجمان وجود داشت. موضوعات ترجمه‌ها در حوزه و امور نظامی، تکنولوژیک، پزشکی، زمین‌شناسی، فیزیک، شیمی، جغرافیا و تاریخ، قانون، رمان و سفرنامه بود.

در اوایل عصر ناصری، ایرانیان از «جغرافیای جدید اطلاعات فوق‌العاده سطحی داشتند و به تعالیم بطلمیوسی پایبند بودند» (صفا، ۱۳۷۱، ص. ۱۰۹؛ تشنر، ۱۳۶۸، ص. ۱۳) و همچنان بر اساس آن اعتقادات سنتی، زمین را مسطح می‌پنداشتند. آنچه برای مجلس مخاطبان ایرانی ناآشنا و غریب می‌دیدند حذف یا عوض می‌کردند و به آن رنگ و بوی ایرانی می‌بخشیدند. «آشنایی با قانون، افسانه‌های ملی و شعر و سپس آموختن طب، داروسازی سنتی، کیمیا و نجوم را از لوازم تعلیمات عالییه تصور می‌کردند و از تحولاتی که در زمینه علوم به وجود آمده بود، بی‌اطلاع بودند» (براون، ۱۳۵۷، جلد ۴، صص. ۳۲۷-۳۲۸).

مسئله دیگری که باعث عدم اثرگذاری اساسی می‌شد، غلبه سنت‌های روش‌شناختی قدیمی در ایران بود؛ سنت‌های جهان‌شناسی شرقی که در ایران هم غالب بود از ابتدا بر «اشراق» استوار بود و در این سنت، وجود کلی، اولویت و اصالت داشت (مجتهدی، ۱۳۸۸، صص. ۳۲-۲۱). از این‌رو روش تحلیل و تجزیه عناصر هستی که محور علم جدید بود مقبول جهان‌بینی سنتی قرار نمی‌گرفت، بلکه بر اساس این سنت باید هستی را در کلیت و تمامیت آن شناخت و درک کرد و در راه شناخت جهان با حربه استدلال نمی‌توان پیش رفت، بلکه باید موضوع مورد

شناخت را در کلیت آن دید و کشف و مشاهده کرد. حال آنکه رشد و توسعه علوم طبیعی در ارتباط مستقیم با این نوع جهان‌بینی و روش‌شناختی مفهوم می‌یابد. این روش به‌عنوان یک عامل درونی برای عدم رشد علوم در ایران در مقایسه با غرب قابل بررسی است.

اهمیت ترجمه‌ها و رواج آثار جدید در بخشی از موارد به‌طور جدی اثرگذار بود. ترجمه‌های آثار جدید، در واقع، اعتقاد به دانش گذشتگان را شکست. توجّه روزنامه‌ها که حتی عنوان آنها -مریخ^۱، دانش^۲، علمی و ...- از تحوّل و جهت‌گیری جدید خبر می‌داد به مباحث ترجمه و نزاع‌ها و مبادلات فکری و مناقشات برآمده از توأمانی وضع فکری و فرهنگی قدیم و جدید بسیار قابل توجّه است. در یکی از این موارد، روزنامه علمی به ترجمه و نشر جغرافیای مسعودی پرداخته است؛ حال آنکه این نوع توجّه به علم قدیمی جغرافیا، خلاف تلاش‌ها در عرصه ترجمه آثار جدید بود و این امر باعث شد تا شخصی به نام میرزا جعفر به انتقاد از مباحث آن روزنامه که جغرافیای سنتی را ترویج داده است بپردازد. رویکرد جدید به دانش و ترجمه‌ها بر این باور است که باید به نشر یا تجدید نوشته‌های دانشمندان بزرگ ریاضی و جغرافیای جدید تمرکز شود. روزنامه‌های نو با عناوین جدید بیانگر اهمیت و رسالت جدید آنان بود. بدین ترتیب می‌توان از روزنامه‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی معرفی آثار ترجمه‌ای و چاپ مقالات ترجمه شده از آثار گوناگون نام برد. این روزنامه‌ها با درج مطالب جدید ترجمه‌ای در رشد فرهنگ نقّادی و انتقاد نسبت به وضع دانش پیشین، مؤثر بودند و ذهن نقّاد مردم را پرورش می‌دادند و در یک فضای جدید

۱. اولین شماره روزنامه مریخ روز دوشنبه پنجم شهریور ماه محرم‌الحرام ۱۲۶۹ هـ.ق. در تهران منتشر شد. روزنامه مریخ اولین روزنامه نظامی یا به قول خود روزنامه وزارت عسکریه بود و تمام مطالب آن را مقالات نظامی و اعلانات رسمی تشکیل می‌داد. گاهی مطالب علمی نیز در آن به چاپ می‌رسید. این روزنامه در دارالطباعة خاص به چاپ رسیده و در بالای سرلوحه آن عبارت زیر به چشم می‌خورد: هر کس اخبار مفید به اداره نظامی بفرستد به اسم خود او نوشته می‌شود. نمره دوم روزنامه مریخ در روز چهارشنبه ۲۱ محرم‌الحرام ۱۲۶۶ هـ.ق. مطابق با ژانویه ۱۸۴۹ منتشر شده است. این روزنامه دارای اخبار رسمی عساکر دولت علیه ایران، جنگ آخری مابین دولتین روسی و عثمانی، تاریخ قیصره رومیه الکبری بود.

۲. روزنامه دانش با مدیریت علیقلی خان مخبرالدوله، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره‌ی ۴۹۱۵.

اجتماعی و فرهنگی نویسندگان با پایگاه اجتماعی متفاوت به شکل شناخته و ناشناخته به ردوبدل مباحث فرهنگی و دانش جدید می‌پرداختند.^۱ این امر بیانگر آن است که برخورد افکار و اندیشه‌ها مظاهر اجتماعی جدیدی به خود گرفته است. انتقاد و بحث آزاد واکنش اجتماعی مهمی داشت و از آن برای تربیت ملت استفاده می‌شد. در دوره ناصری نویسندگان به هر شکل ممکن از طریق استفاده از قالب ترجمه‌ها در جهت نشر فکر و دانش جدید تلاش می‌کردند و یا در سرلوحه روزنامه‌ها تصاویر توپ و تفنگ می‌کشیدند، اما از جنبش استقلال‌یونان سخن می‌گفتند و در این تلاش هدف آنان هشیار شدن مردم و نشر معلومات و دانشی بود که مورد غفلت واقع شده بود. به لحاظ پایگاه اجتماعی شرکت‌کنندگان در عرصه تلاش جدید و ترجمه می‌توان گفت که کسانی از اصناف گوناگون اجتماع در این مسائل شرکت می‌کردند. یکی از این وطن‌خواهان نوگرا با عنوان بروزیه در روزنامه علمی تناقض هدف جدید را با ترجمه یک متن سنتی به نام تاریخ حمزه اصفهانی مورد انتقاد قرار داده است و از درج قصاید و غزلیات در این روزنامه که در صد ترجمه مقالات جدید و تألیف و نشر آثار گوناگون است به بدی یاد کرده است. این مظاهر اجتماعی جدید از جمله روزنامه‌ها، به ترجمه آثار اروپایی به شکل شمارگان پیاپی و یا ترجمه اخبار و مقالات از بلاد فرنگ بر میزان مخاطبان خود افزوده و ابعاد جدیدی به تلاش‌های نوگرایانه خود می‌دادند. آسیب‌شناسی تلاش‌های جدیدی در عرصه روزنامه‌ها به خوبی انعکاس یافته است. میرزا جعفر، از جمله مخاطبان روزنامه علمی، ترجمه و نشر جغرافیای مسعودی در این روزنامه را امری غیرعلمی و غلط شمرده است و مدعی است که اگر تلاش برای نگارش مرآت البلدان‌ها است، چرا به

۱. روزنامه علمی/ایران روز دوشنبه بیست و دوم ذیحجه الحرام سنه ۱۲۹۳ هـ.ق. برابر با ۸ ژانویه ۱۸۷۶ تا ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۹۷ هـ.ق. در تهران انتشار یافت و در مجموع ۶۴ شماره از آن به چاپ رسید. نویسندگان این روزنامه علاوه بر شخص محمدحسن خان صنیع‌الدوله رئیس دارالطباعه، عبارت بودند از: معلمان مدرسه دارالفنون همچون میرزا محمدکاظم معلم طبیعی و شیمی، که با روزنامه ایران و بعدها با روزنامه دانش همکاری داشت. محمدحسین گرگانی، محمدطاهر میرزا، نایب وزارت امور خارجه و مترجم معروف آن عصر و هوتم شیندلر دانشمند آلمانی. روزنامه علمی با چاپ سنگی و در سه ستون با خط نسخ منتشر می‌شد و مطالب علمی، مقالات ادبی، اجتماعی، تاریخ و جغرافیا و نجوم را نشر می‌داد.

ترجمه و طبع کتاب *جغرافیای مسعودی* پرداخته می‌شود، اما آثار جغرافیایی علما و ریاضی‌دانان اروپا که از روی بصیرت و خبرت تامه و تحقیق کامل نشر شده است، نمی‌پردازند (روزنامه علمیه دولت علیه ایران، ۱۲۸۴ ه.ق). میرزا جعفر آثار سنتی جغرافی‌دانان ایرانی را با آثار جغرافیایی جدید عالم مقایسه کرده است و «آثار ایرانی را در حکم «اساطیرالاولین» برشمرده است». این مباحث و مطالب بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از مخاطبان رسانه‌های جدید نسبت به دانش سنتی بی‌اعتقاد شده و هرگز گفتمان سنتی را به‌عنوان امر یقینی محض نگاه نمی‌کردند (اعتضادالسلطنه، ۱۲۷۸ ه.ق، ۴۳).

در دوره ناصرالدین‌شاه، ترجمه کتاب‌های خارجی به‌ویژه آثار فرانسوی یکی از سرچشمه‌های اندیشه ترقی‌خواهانۀ میرزاتقی‌خان امیرنظام بود. او در سفارت ارزنه‌الروم برخی از کتاب‌ها را گرد آورد و مترجم خود ژان داودخان را به ترجمه آنان گماشت که از مجموع آنها کتاب مفصل و ارزنده‌ای در احوال تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی جهان به همکاری منشی او و دبیرالملک فراهانی تألیف شد و میرزا تقی بر این کار نظارت داشت. درک عقب‌ماندگی‌های ایران در این شرایط داخلی باعث توجه به سرمنشأهای پیشرفت در خارج از کشور از طریق ترجمه میراث علمی و اجتماعی و کسب اخبار و آگاهی از روند ترقی آنان صورت گرفت.

ترجمه‌ها در عرصه نظامی با هدف شناخت و آگاهی از تکنیک و تجهیزات ارتش‌های مدرن اروپا و کسب آمادگی برای مقابله با بیگانگان صورت می‌گرفت که این امر از ویژگی‌های ترجمه در مرحله اول آن یعنی دوره عباس میرزا است. در دوره‌های بعدی هم ترجمه در عرصه دانش‌های جدید متوجه شعبه نظامی آن بود و بر این اساس ترجمه متون طب نظامی و جغرافیا و تاریخ قهرمانان نظامی مطمح نظر قرار گرفت. وجه بارز این متون هم توجه به نحوه تسخیر قلعه و استفاده از ادوات نظامی و شعبات بیماری‌های دوره جنگ بوده است. تلقی پیشگامان تغییرخواهی در ایران مبنی بر اینکه شکست‌های از روسیه تزاری و جدایی هرات را در قضیه دخالت

انگلستان نوعی شکست نظامی و ضعف در این عرصه تلقی کردند، باعث گردید که برنامه مدرنیزاسیون با اولویت بخشی به تغییر در امور نظامی و انتظام در صفوف قشون و تجهیز آنان به تکنولوژی جدید جنگی و سلاح های گرم به مثابه راهکاری تقویت ایران و جهش در سایر عرصه نگریسته شود. در این راستا، تمرکز بر ترجمه علوم نظامی اعم از جغرافیای نظامی، طب نظامی و ترجمه متون تاریخ حاکمان فاتح جهان از اسکندر مقدونی تا پطر کبیر و ناپلئون با هدف رشد رویکرد مدرن سازی نظامی در ایران صورت می گرفت. این اولویت موضوعی در ترجمه متون اروپایی در دهه های بعدی فرایند ترجمه متون از سوی حامیان، بانیان و پیشگامان ترجمه که عمدتاً متعلق به دربار و ساختار قدرت بودند در پیش گرفته شد. بخشی از متون ترجمه شده در حوزه امور نظامی که مورد استفاده قرار گرفته اند در ذیل آمده است:

جدول ۵. متون برگزیده ترجمه شده در موضوع آموزش نظامی مدرن

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	فهرست کشتی های جنگی دولت انگلیس	فرانسه	اسمعیل ولد صحاف باشی	موسیو میچل ^۱	۱۲۹۷
۲	اصلاح نامه (کتاب علم جنگ)	انگلیسی	اسماعیل ولد صحاب باشی	جس هنری مک لین ^۲ ینگ دنیاپی	۱۲۹۸
۳	مہزم الجیوش	فرانسه	فتحعلی شیرازی	القرت سورہله ^۳	۱۲۶۷
۴	علم جنگ	فرانسه	سرتیپ محمد کریم فیروز کوهی	نامعلوم	۱۲۹۹
۵	قانون نظام	فرانسه	عیسی	نامعلوم	قرن ۱۳
۶	هندسه نظامی	فرانسه	محمد حسن شیرازی	موسیو سمنو ^۴	قرن ۱۳
۷	قانون جدید خدمت نظام	انگلیسی	میرزا زین العابدین	نامعلوم	۱۲۹۳

1. Michell
2. Henry Maclean
3. Alfered Surheller
4. Semanou

در برخی از این آثار می‌توان شرح و معرفی کشتی‌های جنگی انگلیسی و انواع آن و نحوه آرایش قشون در میدان جنگ و تخریب سنگرها و آخرین مباحث علم جنگ و جنگ‌های دسته‌های مختلف ارتش پیاده‌نظام و سواره و توپخانه و مهندسی مورد بحث می‌توان یافت. کتاب ترجمه *قانون نظام وظیفه اجباری* از سوی شورای کبرای سنای دولتی روسیه و با دستور الکساندر امپراتور روس نگاشته شده بود که در ایران برحسب دستور آقامیرزا محمد رئیس از روسی به فارسی برگردانده شد.

در کتاب‌های جغرافیای برتر مترجمان و مترجم-معلمان زبان در دارالفنون، بررسی جغرافیای قفقاز، گرجستان و شهر تفلیس و بحث از وضعیت سیاسی و جغرافیای اروپایی بر حدود آن ممالک سخن می‌آید. امیرکبیر خود از برخی کتب جغرافیای را برای اولین ترجمه متون جغرافیایی را در دستور کار قرار داد تا مباحث جغرافیای تاریخی، سیاسی و اقتصادی برخی ممالک دنیا مورد بحث قرار گیرد. این ترجمه‌ها شامل برخی سفرنامه‌های حاوی مطالب تاریخی و جغرافیایی راجع به شهرهای اروپایی در قرن ۱۹ م نیز می‌شد که اطلاعات ارزشمند در مسائل جغرافیایی و مردم‌شناسی ارائه می‌داد.

مترجمان این کتاب‌های علمی، ایرانیان را با آخرین اختراعات و اکتشافات زمان خود و علم نجوم و ریاضی و زمین‌شناسی آشنا می‌کردند و به نتایج علم توجه داشته‌اند، اما در عرصه‌های مختلف از جمله در حوزه علوم نظری از دانش‌های نوین غفلت می‌کردند. اهمیت این مسئله در بررسی ترجمه متون علمی آنگاه بیشتر روشن می‌شود که بدانیم ترجمه این متون علمی اغلب ترجمه درس‌گفتارهای معلمان دارالفنون و جزوه‌هایی بوده است. برخی از متون علمی ترجمه شده مرتبط با عصر ناصری به شرح ذیل هستند:

جدول ۶. متون ترجمه شده در موضوعات علمی

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	هیئت	فرانسه	دکتر تولوزان و محمدتقی کاشانی	تولوزان ^۱ و محمدتقی کاشانی	۱۲۷۹ ه.ق
۲	تذکره الارض ناصری	فرانسه	محمدتقی کاشانی طیب انصاری	موسیو فیکیه ^۲	۱۲۸۴ ه.ق
۳	تعدد عوالم	فرانسه	علیقلی بن محمدباقر کاشانی	فن تنل ^۳ فرانسوی	۱۲۸۸
۴	شرح انکشافات و اختراعات	انگلیسی	منوچهر	نامعلوم	قرن ۱۳
۵	ترجمه تحریر اقلیدس	انگلیسی	محمد مهدی بن محمدحسن المنجم	اقلیدس	قرن ۱۲
۶	شرح اختراعات قرن ۱۹	انگلیسی	علی بخش قاجار	نامعلوم	قرن ۱۳
۷	چرخ تحت البحری	انگلیسی	علی بخش قاجار	نامعلوم	قرن ۱۳

در این مباحث علمی در موضوعات ژئولوژی (زمین شناسی) اصول نجوم و امهات آن در قرن هفدهم بحث شده است و اطلاعات جالب توجهی درباره مطالب علمی و مفید تحریر و ترجمه شده است. کتاب زمین شناسی فیکیه در این راستا توسط محمدتقی انصاری کاشانی ترجمه شده و آن را با عنوان صورت الارض منتشر نمود. این رویکرد تلفیقی مترجمان به ترجمه با هدف قائل شدن رسالت اجتماعی برای ترجمه ها صورت می گرفت. بنا به گفته سرجان ملکم تا دهه های اولیه قرن سیزدهم هجری، «ایرانیان استفاده محدود و ناچیزی از علم نجوم مدرن داشته و بیشتر برای آن کارکردهای مذهبی قائل بودند» (سرجان ملکم، ۱۳۶۲، ص. ۲۳۱)؛ اما با ترجمه ها در دوره ناصرالدین شاه هدف از ترجمه مباحث جغرافیایی و نجوم را آماده کردن مردم برای طرح موضوعات علمی پیچیده مطرح کرده اند و در روزنامه علمی به

1. Tolozan

2. Monsieur Fikie

3. Fan Tanl

چاپ مباحث طبیعی و هیئت در پاورقی‌های روزنامه علمی پرداختند (روزنامه علمی ایران، سال ۱، شماره‌های ۱ و ۵، ۱۲۸۰ ه.ق).

آنچه ترجمه‌های اولیه نشان می‌دهند این است که نیازهای تحقیق عملی که مکمل مؤلفه ایدئولوژی حکومتی بود از همان ابتدا، اساس جریان ترجمه متون مختلف، قرار گرفته است (انوار، ج ۱، صص. ۱۳-۸). با شتاب رسمی کنش‌های نوین عرصه ترجمه و نیز اختصاص یافتن بودجه مورد نیاز توسط برخی حکام قاجاری به مراکز مربوط به آن، پروسه ترجمه به دو طریق توسعه یافت: الف) افزایش دقت و اعتبار عالمانه در رشته‌های موجود؛ ب) گرایش به ترجمه در رشته‌ها و موضوعات مورد علاقه حامیان ترجمه (دربار و ساختار قدرت).

دانستنی‌های طب جدید در دارالفنون از طریق معلمان اتریشی و شاگردان آنان به ایران انتقال یافت و ترجمه کتاب و جزوه‌های درسی در این راستا از مهم‌ترین اقدامات در اشاعه طب جدید بود. مسئله قابل طرح در خصوص آثار این حوزه تأکید و تمرکز اساسی بر حوزه‌های عملی پزشکی به جای مطالعه و انتقال اصول پزشکی جدید بود. در نتیجه غلبه این رویکرد و الگوهای عملی پزشکی، عمدتاً، آثاری در علم تشریح و راه‌های مقابله با بیمارهای مسری در ایران ترجمه و گردآوری شد. وجهه همت کنشگران این عرصه، استفاده از ابعاد کاربردی دانش پزشکی جدید برای حل مسائل مبتلابه جامعه ایران بود. در ارزیابی این ترجمه‌ها مشخص می‌شود که نشر عمومی که اعتمادالسلطنه فهرست آنها را منتشر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸، صص. ۹۲-۹۰) از کمیّت و کیفیت بالایی برخوردار نبودند و غالباً در حد ترجمه یک کتاب و یا یک متن دروس اساتید دارالفنون بود، اما همین آگاهی اجمالی برای ایران قاجاری، حائز اهمیت بود. توسعه نسبی دامنه علوم جدید در ایران برخی از رشته‌های علوم قدیمی از جمله علم طب را دچار تغییرات کرد. «پولاک معلم طب و داروسازی توانست بیمارستانی به سبک جدید برای سربازان بنا کند و شیوه‌های نوین جراحی و پزشکی عمومی را در کشور متداول کند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، صص. ۱۱۶۴-۱۱۶۵). «کرزیس توانست در مدت هشت سال اقامت در ایران شاگردان میرزی

تربیت نماید و آنها را با اصول کلی این علوم جدید آشنا بسازد» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، صص. ۳۲۸-۳۲۹). در اثر همین ورود و نفوذ علوم جدید مسئله نارسایی علوم قدیم و ضرورت تجدید نظر در مبانی آن بسیار پررنگ شد. در واقع، با نشر اصول جدید، نقص تعالیم سنتی به حدی روشن شد که پایه‌های بخش زیادی از آموزش‌های کهن بر مبادی صحیح استوار نبوده و در این راستا، طب سنتی، نجوم و ریاضیات با گسترش علوم جدید مورد تردید جدی قرار گرفت.

در دارالفنون علوم زبان و ادبیات خارجه از فرانسه و طب و علوم طبیعی و مهندسی و ریاضی تدریس می‌شد. از نشانه‌های تجدید سبک نثر، «ترجمه کتاب‌های علمی از قبیل تشریح و طب و ریاضیات و فیزیک و هندسه و... بود» (بهار، ۱۳۷۰، ج ۳، ص. ۳۴۷). ضرورت نگارش کتاب‌های مورد نیاز برای دارالفنون باعث تألیف کتاب‌هایی در زمینه دروس نظامی، ادبیات، تاریخ، طب و هندسه شد. برخی از آثار پزشکی ترجمه شده در دارالفنون عبارت بودند از:

جدول ۷. ترجمه‌ها در موضوع پزشکی مدرن

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	رساله دکتر پولاک (۲۰ باب تشریح)	انگلیسی	میرزا محمدحسین بن میرزا بزرگ تهرانی	پولاک ^۱	۱۲۶۹
۲	عریضه به پادشاه انگلیس در باب وبا	انگلیسی	نامعلوم	کازولانی ^۲ (حکیم باشی قشون)	قرن ۱۳
۳	رساله‌ای در طب	فرانسه	محمدتقی طبیب کاشانی	ژزف فردریک ^۳	۱۲۸۱
۴	ترجمه کتابی در خصوص امراض دندان	فرانسه	علی بن رضا نامه‌نگار	نامعلوم	۱۲۹۲
۵	تشریح	انگلیسی	علی بن عبدالجلیل علی بخش قاجار	نامعلوم	قرن ۱۳

1. EdVard Jacob Pollack

2. Kazolani

3. Joseph Frédéric

در این آثار از امراضی همچون وبا، سرخجه و آبله و نحوه ورود آن به کشورها سخن آمده است. برخی آثار و درس گفتارهای دکتر پولاک در عرصه پزشکی جدید برای دانشجویان دارالفنون ترجمه می‌شد که البته غلبه ذهنیت مترجمان در ترجمه این آثار به وضوح مشهود است. مثلاً کتاب پولاک در موضوع پزشکی را محمدحسین افشار با عنوان *علاج الاستقام* ترجمه کرد و یا اینکه کتاب دیگری از پولاک در باب پزشکی را حکیم الممالک با عنوان *زبده الحکمه* ترجمه نمود که این بیانگر غلبه رسوبات فکر سنتی بر موضوعات پزشکی جدید در ترجمه‌ها بود (نک. پولاک، *زبده الحکمه*، کتابخانه ملی، نسخه خطی شماره ۵-۲۸۹۲۸).

برخی از ترجمه‌ها شامل مطالبی گوناگون در موضوع آیین مملکت‌داری، علم مذهبی و سیاسی است؛ حال آنکه طرح و ترجمه منابعی در حوزه دانش سیاسی، علی‌رغم تأسیس مدرسه سیاسی در سال ۱۳۱۷ هـ.ق مغفول‌ترین بخش ترجمه‌ها است. ترجمه در موضوعات سیاسی برآیند ظهور تدریجی فردگرایی در بخش نخبگانی جامعه ایران بود. در دوره پیشامشروطه اوضاع جامعه متأثر از تحولات روز جهان اطراف پیش رفت که این امر باعث شد تا متفکران و مترجمان به چشم‌انداز مطالعات خود وسعت بخشیده و وضعیت اجتماعی-سیاسی گذشته و حال اروپا و ممالک ینگ دنیا را مطمح توجه خود قرار دادند. این امر باعث شد تا پس از چند دهه شاهد گسترش افکار سیاسی، اجتماعی و فلسفی مشابه غرب در ایران باشیم. تلاش مترجمان برای طرح مفاهیم مشروطه و قانون و طرح مفاهیم استبداد و مطلقه زمینه‌ساز ترجمه متونی در این حوزه بود که از جمله آنان می‌توان به کتاب یک کلمه میرزایوسف مستشارالدوله اشاره کرد. فهرست برخی از منابع ترجمه‌شده مرتبط با موضوعات یادشده به شرح ذیل می‌آید:

جدول ۸. اصلی‌ترین متون ترجمه‌شده در موضوعات مختلف

ردیف	نام کتاب (ترجمه)	زبان مبدأ	مترجم	نویسنده	سال چاپ
۱	ترجمه سواران دوکنستان	فرانسه	علی‌بن رضا نامه‌نگار	میسمر ^۱	۱۲۸۷
۲	گفتاری از جان استوارت میل	انگلیسی	میرزا محمدعلی نایب اول	استوارت میل ^۲	قرن ۱۳
۳	قواعد حکمرانی مملکت فرانسه	فرانسه	میرزا رضا فرانسوی	موسیو ریشار ^۳	اواسط قرن ۱۳
۴	رساله در بیان اشکال صفحه‌ها	فرانسه	نامعلوم	آنتوان ^۴	۱۲۹۷
۵	تسخیر ارواح	فرانسه	محمدتقی بن محمدقلی	نامعلوم	۱۲۹۷
۶	اسرارالوجود	انگلیسی	علی بخش‌بن فتحعلیشاه	نامعلوم	۱۲۹۱ ه.ق
۷	کونستیتوسیون دولت عثمانی	فرانسه	نامعلوم	میرزا هاراطون ^۵	۱۲۹۴
۸	مجموعه علی‌بن رضا نامه‌نگار	انگلیسی	علی‌بن رضا نامه‌نگار	نامعلوم	قرن ۱۳

در این مجموعه‌ها، نویسندگان بر آزادی و اینکه آن را منشأ پیشرفت اجتماعی می‌دانستند، تأکید داشتند و مطالب سودمندی درباره تقسیمات اداری فرانسه و مجموعه قوانین آن کشور به دست داده‌اند. در برخی از این مجموعه‌ها دست‌خط سلطان عثمانی برای تشکیل مجلس شورای ملی مطرح می‌شد تا شاید الگویی از کشور همسایه را در ذهن مخاطبان انعکاس بدهد.

1. Mismer
2. Stuart Mill
3. Monsieur Richard
4. Antoine
5. Haratoon

۵. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان در بحث و نتیجه‌گیری در پایان این پژوهش به‌عنوان وجه نوآورانه آن مطرح کرد در پیشینه نیز موجود نیست، اینکه از ابتدای پروسه ترجمه، گروه‌های اقلیت دینی و نژادی که قبلاً در ارتباط با دنیای خارج زبان آموخته بودند به‌عنوان مترجم کار کردند. اینها شامل گروه‌های مسیحیان و ارمنی‌ها، یهودیان و آشوری‌ها بودند. گروهی هم که زبان خارجی را از خارج آموخته بودند یا در دوره تحصیل در دارالفنون و مدارس خارجی زبان آموخته بودند و محصول آموزش جدید بودند به ترجمه روی آوردند؛ اما گروه اکثریت مترجمان از مشاغل دولتی بودند و در جهت اهداف چهار سازمان به ترجمه پرداختند؛ بخشی از آنان به ترجمه برای دربار شاه قاجار می‌پرداختند. عده‌ای در دربار ظل‌السلطان به ترجمه مشغول بودند که خود او به ترجمه در حوزه ادبیات و تاریخ علاقه‌مند بود. دو سازمان عمده و فعال دیگر در عرصه ترجمه‌ها، وزارت علوم و دارالانطباعات بودند که هر یک به‌طور سالانه جزئیات کارهای خود را در سالنامه دولتی منتشر می‌کردند. وزارت علوم مسئولیت امورات دارالفنون را به عهده داشت. تدریس معلمان خارجی در دارالفنون به تلاش مترجمان در تهیه متون علمی برگرفته از ترجمه‌ها برای دانشجویان هدف آموزشی را در نظر داشتند. وزارت انطباعات هم تحت ریاست اعتمادالسلطنه در چهار بخش فعال بود؛ ترجمه‌های مربوط به دربار را محمدحسین فروغی انجام می‌داد. دفترخانه یا اداره چاپ و نشر روزنامه‌ها، دفتر نشر دولتی، گروه نویسندگان برای نگارش نامه دانشوران که توسط اعتضادالسلطنه تأسیس شد و خود او تا پایان عمرش آن را اداره می‌کرد. مترجمان اولیه به ترجمه، صرفاً، به‌عنوان یک کار مورد سفارش برخی حاکمان پرداختند؛ بنابراین، آنان وابسته به دربار و اشرافیت و قشرهای بالای جامعه بودند. بر این اساس گرچه این گروه از مترجمان تمایلات مترقیانه داشتند، اما سبک ادبی آنان همچنان بازتاب تأثیر ذائقه‌های درباری بود. این نوع ترجمه‌ها برای طیف توده عمومی و گروه‌های سطح پایین نبود؛ اما به تدریج چاپ ترجمه‌ها در روزنامه‌ها به معنای تلاش برای جلب مخاطبان عمومی بود و قبلاً هم رشد تحصیلات و تعداد

فارغ‌التحصیلان بر تغییر پایگاه اجتماعی مترجمان نقش داشت. خوانندگان و مخاطبان این نوع ترجمه‌ها گروه‌های وسیعی از جامعه را تشکیل می‌دادند و هدف از این نوع ترجمه‌ها، صرفاً، آگاهی بخشیدن و انتقال اخبار به توده مردم بود. محمدعلی تربیت به ارائه فهرستی از ترجمه‌ها و تألیفات جدید از ابتدای قاجار تا مشروطه پرداخته است که بیانگر ذائقه مترجمان و خوانندگان متن به تألیف و ترجمه است. در تألیفات و ترجمه‌های این دوره، آثار مشهور از اکثریت برخوردارند. زبان اصلی اکثریت ترجمه‌ها هم فرانسوی بوده است.

در مجموع می‌توان گفت که از حدود دویست نسخه خطی از ترجمه‌ها که در کتابخانه ملی موجود است ۴۴ نسخه سفرنامه، ۴۰ نسخه رمان، ۳۲ نسخه تاریخ، ۳۰ نسخه شرح حال، ۱۶ نسخه جغرافیا، ۱۰ نسخه موضوعات علمی، ۱۰ نسخه مسائل نظامی، ۶ نسخه مطالب پزشکی و ۱۲ نسخه به موضوعات متفرقه اختصاص دارد.

کتاب‌نامه

- آخوندزاده، م. (۱۳۵۷). *مقالات فارسی*. به اهتمام حمید محمدزاده. تبریز، ایران: نشر ساولان.
- آدمیت، ف. (۱۳۵۵). *امیرکبیر و ایران*. تهران، ایران: خوارزمی.
- آرین پور، ی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. تهران، ایران: زوار.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۷۴). *المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)*. به اهتمام ایرج افشار، تهران، ایران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۴۵). *روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرست از ایرج افشار*. تهران، ایران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۶۴). *مرآت البلدان (جلد ۱)*. به اهتمام پرتو نوری‌اعلاء و محمدعلی سپانلو. تهران، ایران: اسفار.
- اعتمادالسلطنه، ع. (۱۲۴۱). *فلک السعاده*. زنجان، ایران: دارالطباعة میرمحمدباقر طهرانی.
- اکبری، ا. (۱۳۸۸). *جغرافیای عصر باستان و تأثیر آن بر جغرافیدانان مسلمان*. پژوهش‌نامه تاریخ، ۱۵(۱)، ۱-۳۲.
- امامی، ک. (۱۳۵۷). *از پست و بلند ترجمه*. تهران، ایران: نیلوفر.
- انوار، ع. (۱۳۶۵). *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی (جلد ۱)*. تهران، ایران: سازمان اسناد ملی ایران.
- بابازاده، ش. (۱۳۷۸). *تاریخ چاپ در ایران*. تهران، ایران: طهوری.

- بالائی، ک. (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی* (م. قویمی و ن. خطاط، مترجم). تهران، ایران: معین.
- براون، ا. (۱۳۳۷). *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت* (م. عباسی، مترجم). تهران، ایران: کانون معرفت.
- بهار، م. (۱۳۷۰). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی* (جلد ۳). تهران، ایران: امیرکبیر.
- پورجوادی، ن. (۱۳۶۵). *درباره ترجمه*. تهران، ایران: نشر دانشگاهی.
- پولاک، ا. ی. (بی‌تا). *زبده الحکمه* (م. ع. بن محمد اسماعیل، مترجم). تهران، ایران: کتابخانه ملی، نسخه خطی شماره ۲۸۹۲۸-۵.
- تاج‌السلطنه (۱۳۶۲). *خاطرات تاج‌السلطنه*. به اهتمام منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران، ایران: نشر تاریخ ایران.
- تشنر، م. ا. (۱۳۶۸). *تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی* (ح. گنجی، مترجم). تهران، ایران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- خورموجی، م. (۱۳۶۳). *حقایق الاخبار ناصری* (جلد ۱). به اهتمام حسین خدیوچم. تهران، ایران: شرقی.
- دولت‌آبادی، ی. (۱۳۷۱). *حیات یحیی* (جلد ۱). تهران، ایران: عطار و فردوسی.
- دوما، ا. (۱۳۸۳). *سه تفنگدار* (م. ط. میرزا، مترجم). تهران، ایران: هرمس.
- شیل، م. ل. (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین‌شاه* (ح. ابوترابیان، مترجم). تهران، ایران: نشر نو.
- صدیق، ع. (۱۳۴۷). *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران، ایران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صحاف باشی، ا. (۱۳۷۵). *سفرنامه*، به اهتمام محمد مشیری. تهران، ایران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی.
- صفا، ذ. (۱۳۷۱). *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*. تهران، ایران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صلح‌جو، ع. (۱۳۷۳). *گرایش‌های عمده در ترجمه*. نگاه نو، ۱۹، ۲۵-۴۳.
- صنیع‌الدوله، م. (۱۲۵۰). *تاریخ انکشاف ینگی دنیا*. تهران، ایران: بی‌نا.
- طالبوف، ع. (۱۳۵۷). *آزادی و سیاست*، به کوشش ایرج افشار. تهران، ایران: سحر.
- غلام، م. (۱۳۸۱). *رمان تاریخی (نقد و تحلیل رمان‌های تاریخی فارسی از ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲)*. تهران، ایران: نشر چشمه.
- فشاهی، م. (۱۳۵۲). *نهضت ترجمه در عصر قاجاریه*. نگین، ۹(۹۹)، ۱۸-۲۵.

- قدرتی، م.، هاشمی، م.، و آزادی بوگر، ا. (۱۴۰۱). ترجمه و مدرنیته در دوره مشروطه: موردپژوهی: ترجمه سرگذشت ژیل بلاس به فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۵(۱)، ۱۱۱-۱۳۷.
- قزوینی، م. (۱۳۷۰). *قانون قزوینی (انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری)*، به اهتمام ایرج افشار. تهران، ایران: طلایه.
- کریمی حکاک، ا. (۱۳۷۸). *تاریخچه ترجمه در ایران*. مترجم، ۸(۲۹)، ۲۰-۳۲.
- کریمیان، ع. (۱۳۸۰). *میرزا رضا مهندس باشی از نخستین مهندسان ایرانی*. تهران، ایران: گنجینه اسناد، سازمان اسناد ملی ایران.
- کیانفر، ج. (۱۳۶۸). *ترجمه در عهد قاجار*. نشر دانش، ۵۵، ۲۳-۲۸.
- کیانفر، ج. (۱۳۷۳). *روزنامه وقایع اتفاقیه*. نشر دانش، ۱۴(۵)، ۳۲-۳۶.
- مازندرانی، م. (بی تا). *جغرافیا، نسخه خطی کتابخانه ملی*، شماره ۳۴۷۱
- مجتهدی، ک. (۱۳۸۸). *آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب*. تهران، ایران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مجدالملک سینکی، م. (۱۳۹۱). *رساله مجدییه، تصحیح و پیشگفتار و توضیحات ایرج امینی و ناصر مهاجر*. تهران، ایران: نشر آبی.
- مستشارالدوله، ص. (۱۳۶۸). *خطرات و اسناد مستشارالدوله صادق*، به کوشش ایرج افشار. تهران، ایران: فردوسی.
- مستشارالدوله، م. (بی تا). *یک کلمه*. تهران، ایران: کتابخانه ملی.
- ملکم، ج. (۱۳۶۲). *تاریخ ایران* (م. ا. حیرت، مترجم). تهران، ایران: دنیای کتاب.
- ملکم، ج. (۱۳۸۲). *تاریخ ایران* (م. ا. حیرت، مترجم). تهران، ایران: دنیای کتاب.
- ملکشاهی، و. و خزاعی فرید، ع. (۱۳۹۶). *رویکردی نو از طریق ترجمه برای تحلیل تاریخی انتقال گفتمان‌ها و نظریه‌ها*. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۰(۴)، ۱-۲۴.
- میرزای گلپایگانی، ح. (۱۳۷۸). *تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی)*. تهران، ایران: نشر گلشن راز.
- ناجی نصرآبادی، م. (۱۳۸۰). *فهرست کتابهای فارسی شده چاپی از آغاز تا سال ۱۳۷۰*. مشهد، ایران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نوابی، د. (۱۳۶۳). *تاریخچه از فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تا کنون*، کرمان، ایران: بی نا.
- همدانی، م. (۱۲۵۶). *رساله در سکون زمین و حرکت آفتاب*. تهران، ایران: نسخه خطی کتابخانه

ملّی، ۱۹۶/ف.

روزنامه تربیت: نخستین نشریه روزانه و غیردولتی ایران، (جلد ۱) (ش ۱-۲۱۱)، (۱۳۷۶). تهران، ایران: کتابخانه ملّی جمهوری اسلامی ایران و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

روزنامه مریخ، محرم‌الحرام ۱۲۶۹هـ.ق.

روزنامه دانش با مدیریت علیقلی خان مخبرالدوله، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۴۹۱۵

روزنامه علمی ایران روز دوشنبه بیست و دوم ذیحجه الحرام سنه ۱۲۹۳هـ.ق. برابر با ۸ ژانویه ۱۸۷۶ تا ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۹۷هـ.ق.

- Azadibougar, O. (2010). Translation historiography in the modern world: Modernization and translation into Persian. *Target*, 22(2), 298-329.
- Munday, J. (2012). *Introducing translation studies: Theories and applications* (3rd ed.). Abingdon, England: Routledge.
- Vermeer, H. (1989). Skopos and commission in translational action. In A. Chesterman (Ed.), *Readings in translation theory* (pp. 173-187). Helsinki, Finland: Finn Lectura.
- Zlateva, P. (1993). *Translation as a social action: Russian and Bulgarian perspectives*. London, England: Routledge.

درباره نویسنده

محمدامیر احمدزاده عضو هیئت علمی گروه تاریخ فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که در حوزه نهضت ترجمه در ایران دوره قاجار و مشروطه دارای تألیفات متعددی در قالب مقالات و کتاب است.